

The Review of Karbala Four as a Complex Operation in the Sacred Defense and the Reasons for Its Defeat

Hassan Bayat¹

Abstract

The operation of Karbala 4 took place on 3/10/1365 in the especial politico-military situation of the country. Islamic combatants in this operation by vanguard unmatched and intrepid divers in Najaf headquarters, struck to the line of enemy's forces (Saddamite) and seized the pentagon area. But in this operation the Qods headquarter failed to achieve its original operational goals. Therefore, in order to maintain the forces the commander ordered to stop it after examining aspects of the operation.

Operation of Karbala four for a number of reasons was defeated and it could not play a significant role in determining the outcome of the war. In this operation, despite the efforts of Islamic combatants and many emergency preparations of divers units, the desired result was not achieved.

This research seeks to answer the question of what causes and factors in the operation of Karbala four led to be unsuccessful? In this article we have tried to explain different aspects of this operation, also the main factors of the failure of the operation of Karbala four are examined and finally scholarly, counting and using the bitter experiences of operation and impartially it provides the growth and development of units to Iranian Revolutionary Guards Corp in designing and implementing the operation. Results of the reasons for the failure of the operation are as follows:

- 1- Choosing a repeated tactic
- 2- Choosing a small area for the origin of the operation
- 3- US intelligence supports for Iraq's forces
- 4- Strict of over-protection
- 5- Pride of victory in Operation Dawn eight and thus the design of a larger and extremely complex operation
- 6- Crossing the Strait by divers and extreme care of it by enemy

Keywords: Holy war, Operation of Karbala four, factors of failure

1- Assistant Professor of Defense and National Security, Land Department, Dafos Faculty, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran; Hbayat@chmail.ir.

عملیات کربلای ۴ پیچیده‌ترین عملیات دفاع مقدس و علل شکست آن

دکتر حسن بیات^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

چکیده

عملیات کربلای ۴ در وضعیت خاص سیاسی- نظامی کشور در تاریخ ۶۵/۱۰/۳ صورت پذیرفت. در این عملیات رزمندگان اسلام با جلوداری غواصان بی‌بدیل دریادل در قرارگاه نجف، به صف صدامیان زده و پنج ضلعی را به تصرف خود درآوردند. در این عملیات اما قرارگاه قدس که تلاش اصلی عملیات را بر عهده داشت، نتوانست به اهداف خود دست یابد. از این رو فرمانده سپاه پس از بررسی جوانب کار و به‌منظور حفظ نیرو، دستور توقف عملیات را صادر نمود.

عملیات کربلای ۴ به دلایل متعدد با عدم‌الفتح روبرو شد و نتوانست در سال تعیین سرنوشت جنگ سهم بسزایی ایفاء نماید. در این عملیات علی‌رغم زحمات بسیار رزمندگان اسلام و آمادگی‌های فوق‌العاده یگان‌های غواص، نتیجه مطلوب حاصل نشد.

این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که چه، علل و عواملی عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ را رقم زد؟ در این مقاله سعی گردیده است تا با تشریح زوایای مختلف این عملیات، علل و عوامل اصلی عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ مورد واکاوی قرار گرفته و با یک نگاه عالمانه و بی‌طرف، ضمن احصاء و استفاده از تجربیات تلخ این عملیات در طراحی و اجرا موجبات رشد و بالندگی یگان‌های سپاه پاسداران را فراهم آورد. نتایج آن از دلایل عدم موفقیت در این عملیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انتخاب تاکتیک تکراری
- ۲- انتخاب یک منطقه کوچک برای مبدأ عملیات
- ۳- حمایت اطلاعاتی آمریکا
- ۴- سخت‌گیری بیش از اندازه حفاظتی
- ۵- غرور ناشی از پیروزی عملیات والفجر ۸ و در نتیجه طراحی یک عملیات بزرگ‌تر و فوق‌العاده پیچیده
- ۶- عبور از تنگه توسط غواص‌ها و مراقبت شدید دشمن از آن

کلیدواژه‌ها: دفاع مقدس، عملیات کربلای ۴، علل شکست.

۱- استادیار دفاع و امنیت ملی، گروه زمینی، دانشکده دافوس، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران؛

Hbayat@chmail.ir

مقدمه

جنگ همواره یک پدیده اجتناب‌ناپذیر اجتماعی است که عموماً بین دولت‌ها اتفاق می‌افتد. جنگ‌ها علل و عوامل مختلف عمومی و اختصاصی دارند. یکی از مهم‌ترین این علت‌ها در وقوع جنگ تحمیلی عراق به جمهوری اسلامی ایران، ماهیت انقلاب اسلامی می‌باشد. ماهیتی که منافع سردمداران کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به خطر انداخته بود! در آن روزگار با پیروزی انقلاب اسلامی، غرب همه سرمایه‌گذاری خود در خلیج فارس و خاورمیانه را از بین رفته می‌دید! شوروی نیز از وجود ۶۰ میلیون جمعیت مسلمان احساس خطر می‌کرد! کشورهای عربی همسایه ما با ترس از صدور انقلاب، حکومت پوشالی خود را در خطر می‌دیدند. در این میان عراق نیز با داشتن بیشترین جمعیت شیعه، از نفوذ انقلاب اسلامی به کشور خود به شدت در هراس بود.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران، معادلات منطقه‌ای و جهانی را به هم ریخت. با سقوط دولت محمدرضا شاه پهلوی موازنه قوا در منطقه به هم خورد. در این شرایط عراق با یک برآورد غلط، تصور می‌کرد که قادر است با حمله به ایران و تصرف بخش‌هایی از استان خوزستان، ضمن گسترده کردن سواحل خود در خلیج فارس، معضل ژئوپلیتیکی خود را حل نموده و به مقام ژاندارمی منطقه نیز دست یابد.

در گذشته پهنه گیتی به خصوص در مناطق استراتژیک، همیشه عرصه رقابت و جنگ میان دو ابرقدرت شرق و غرب وجود داشته است. با بهم ریختگی پیکربندی جهانی با بروز انقلاب اسلامی و هراس از تشکیل و قدرت سومی در کنار این دو ابرقدرت، بلوک غرب (آمریکا) را بر آن داشت تا با تشکیل پیمان‌های ناتو در غرب، سنتو در جنوب و سیتو در شرق در یک طرح کلی به نام «سد نفوذ شوروی (کانتین منت)»، در مقابل پیمان ورشو بلوک شرق (شوروی) صف‌آرایی دید. در این طرح آمریکایی، ایران به همراه کشورهای ترکیه و پاکستان در پیمان سنتو مأموریت داشتند تا از دست‌یابی شوروی به آب‌های گرم جنوب جلوگیری نمایند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سقوط محمدرضا شاه، زنجیره پیمان‌های دفاعی غرب را از هم گسست و پیمان سنتو که متصل‌کننده پیمان ناتو در غرب و سیتو در شرق بود، با خروج ایران از این پیمان، متلاشی شد.

در این شرایط عراق با اطمینان از حمایت آمریکا، تحرکات خود را برای آغاز یک حمله بزرگ به جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود. برخی از این تحرکات عبارتند از با کسب آمادگی‌های رزمی و اصلاح زیرساخت‌های مناطق عملیاتی، تصفیه حزبی، اخراج ایرانیان از عراق، اعدام و تبعید روحانیون مخالف با حزب بعث (شهید صدر و...)، تحریک و توزیع سلاح در میان عشایر مرزی ایران، گلوله‌باران مناطق و پاسگاه‌های مرزی، فراهم نمودن زمینه‌های سیاسی در سطح

منطقه و نظام بین‌الملل و حزب بعث حاکم در عراق در جمع وزیران کشورهای عربی در تاریخ ۵۹/۶/۲۰، ضمن درخواست کمک و یاری از آنان اعلام داشت که: «خاکمان را از ایران باز پس خواهیم گرفت». هفت روز پس از آن، صدام حسین رهبر حزب بعث با ملغی اعلام نمودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، در ساعت ۱۴ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با بمباران ۱۹ نقطه، تهاجم گسترده خود را به خاک جمهوری اسلامی آغاز کرد.

در هشت سال دفاع مقدس، رزمندگان اسلام با عبور از فراز و فرودهای فراوان و حداقل امکانات و تجهیزات، تنها با داشتن شور و شعور انقلابی، توانستند بدون آموزش‌های ویژه نظامی، پیچیده‌ترین عملیات‌ها را طراحی و اجرا نمایند. این ستارگان بی‌بدیل انقلاب اسلامی با انجام عملیات‌هایی در دشت‌ها، تپه‌ماهورها، ارتفاعات، هورها (آب‌گرفتگی) و با عبور از رودخانه‌های خروشان و ظاهراً غیرقابل عبور، صفحات زربینی در تاریخ جنگ هشت‌ساله بر جا گذاشتند.

در جنگ پیروزی‌ها، شکست‌ها، آسانی‌ها، سختی‌ها، کشته و مجروح و اسیر به دشمن تحمیل کردن‌ها و همچنین شهید و مجروح و اسیر دادن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که ما باید از تک‌تک وقایع جنگ کسب تجربه نموده و از شکست‌ها به‌عنوان پلی برای پیروزی عبور کنیم. همچنین نباید از پیروزی‌ها مغرور شویم، بلکه همیشه آن‌ها را یک هدیه الهی دانسته و شکرگزار آن باشیم.

بیان مسئله

پیروزی در عملیات والفجر ۸، اعتماد به نفس عبور از رودخانه را در پی داشت. عملیات کربلای ۴ یک سال پس از این عملیات شگفت‌انگیز با انگیزه استفاده از تجربیات والفجر ۸ طراحی و اجرا شد. عملیات والفجر ۸ پس از چندین عملیات بزرگ و کوچک که موفقیت‌چندانی در آن‌ها حاصل نشده بود، به اجرا درآمد و توانست با کسب موفقیت، وجهه جهانی جمهوری اسلامی ایران را ارتقاء بخشیده و با دگرگونی صحنه جنگ روزنه‌امیدی در ذهن طراحان جنگ برای کسب موفقیت‌های بیشتر روشن کند. پیروزی در این عملیات مسئولین سپاه را به فکر حرکت‌های بزرگ‌تر واداشت به‌طوری‌که شعار سال سرنوشت جنگ مطرح شد. عملیات کربلای ۴ در منطقه عمومی خرمشهر طراحی گردید، در این عملیات قرار شد تا قرارگاه قدس با چندین لشکر قدرتمند به‌عنوان تلاش اصلی، در شمال خرمشهر از اروندرود عبور کرده و از طریق «ابوالخصیب» به عمق مناطق پدافندی دشمن یورش برد. قرارگاه نجف نیز به‌عنوان تلاش پشتیبانی می‌بایست از نهر خین

تا پنج ضلعی تک نموده و با ورود به جزیره بوارین شرق بصره را به تصرف خود در آورد. قرارگاه کربلا هم می‌بایست با حرکت در عمق دشمن از طریق جزیره ام‌الرصاص به منظور دفع پاتک‌های دشمن تا جاده دوم و سوم وارد شود، قرارگاه نوح نیز با حرکت از جزیره مینو و با تصرف جزایر سهیل و قطعه، جناح جنوبی عملیات را تأمین نماید.

این عملیات از نظر نظامی فوق‌العاده پیچیده بود. رزمندگان اسلام چندین ماه برای اجرای این عملیات، آموزش‌های لازم در مناطق مشابه را سپری کرده بودند. به‌طوری‌که توانسته بودند به مهارت شگرفی برای اجرای عملیات دست یابند.

عملیات کربلای ۴ در وضعیت خاص سیاسی- نظامی کشور در تاریخ سوم دی‌ماه ۱۳۶۵ آغاز شد. در این عملیات قرارگاه نجف توانست پنج ضلعی را به تصرف خود در آورد اما قرارگاه قدس که تلاش اصلی عملیات را به عهده داشت به هنگام عبور غواصان از تنگه بین جزیره ماهی و جزیره ام‌الرصاص، در دام دشمن گرفتار آمده و نتوانست به اهداف خود دست پیدا کند. از این‌رو فرمانده سپاه پس از چندین ساعت تصمیم گرفت تا که به دلیل حفظ نیروهای خودی، دستور توقف عملیات را صادر نماید. (درودیان، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

عملیات کربلای ۴ به دلایل متعدد با عدم‌الفتح روبرو شد و نتوانست در سال تعیین سرنوشت جنگ سهم بسزایی ایفا نماید. در این عملیات علی‌رغم زحمات بسیار رزمندگان اسلام و آمادگی- های فوق‌العاده یگان‌های غواص، نتیجه مطلوب حاصل نشد. در این مقاله سعی گردیده است تا با تشریح زوایای مختلف این عملیات، علل و عوامل اصلی عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ مورد واکاوی قرار گرفته و با یک نگاه عالمانه و بی‌طرف، ضمن احصاء و استفاده از تجربیات تلخ این عملیات در طراحی و اجرا موجبات رشد و بالندگی یگان‌های سپاه پاسداران را فراهم آورد.

سؤال تحقیق

علل و عوامل اصلی شکست (عدم موفقیت) عملیات کربلای ۴ چه بود؟

عملیات کربلای ۴

دلایل انتخاب منطقه عملیات

- ۱- به علت شعار سال تعیین سرنوشت جنگ، عملیات باید در یک منطقه بسیار مهم انجام می‌شد. شهر بصره به عنوان دومین مرکز ثقل و پایتخت اقتصادی عراق، هدف بسیار مناسبی برای تعیین سرنوشت جنگ به حساب می‌آمد. در صورتی که رزمندگان اسلام موفق به تصرف شهر بصره می‌شدند عراق و دنیا ناگزیر به قبول شکست در مقابل ایران بودند.
- ۲- تجربه موفق فاو در عبور از رودخانه باعث قوت قلب و اعتماد به نفس رزمندگان اسلام شده بود. فرماندهان به قابلیت‌های غواصان دریادل، اعتقاد و ایمانی راسخ پیدا کرده بودند.
- ۳- کسب غافلگیری برای کاهش آسیب‌پذیری و همچنین دستیابی به هدف در عملیات‌ها، به عنوان یک مسئله اصلی همواره مورد توجه فرماندهان بود. منطقه ابوالخصیب و جزیره مینو به عنوان تنها منطقه‌ای که عملیات عمده‌ای در آنجا صورت نگرفته بود، احتمال غافلگیری دشمن را افزایش می‌داد.
- ۴- زمین ابوالخصیب به لحاظ داشتن عوارض (نهرها، کانال‌های کشاورزی، نخلستان و سایر عوارض) از قابلیت دفاعی مناسب برخوردار بود.
- ۵- واگذاری مسئولیت زمین به دو سپاه (سپاه سوم با فرماندهی ماهر عبدالرشید در شمال اروندرود و سپاه هفتم با فرماندهی هشام فخری در جنوب اروندرود)، باعث بهم ریختگی در سازمان آنها شده بود.
- ۶- قابلیت عبور غواص‌ها از تنگه بین جزایر ماهی و ام‌الرصاص (خط حد دو سپاه) به عنوان تاکتیک ویژه و زدن به جناح و پشت دشمن.

اطلاعات

در مرحله شناسایی، صدها مورد عبور از تنگه توسط غواص‌های اطلاعات صورت گرفته بود. از این‌رو اطلاعات ارزشمندی از عقبه‌های دشمن و رفتار اروندرود، به دست آمده بود. در این

شناسایی‌ها، بچه‌های اطلاعات چندین شب در پتروشیمی عراق خوابیده بودند. (شهید ابراهیم اصغری)

رطوبت زیاد و سردی هوا و آب در زمستان، سختی کار در شناسایی‌ها و آموزش رزمندگان اسلام و همچنین سایر فعالیت‌ها را دو چندان کرده بود.

مهم‌ترین عارضه زمین منطقه عملیات رودخانه اروند بود. اروندرود در این منطقه با به‌جا گذاشتن رسوبات خود، جزایر کوچک و بزرگی ایجاد کرده بود. عراق از این جزایر برای تأمین رده‌های خود استفاده می‌کرد. رفتار رودخانه نیز بسیار پیچیده بود می‌بایست برای اجرای عملیات، توسط نیروهای اطلاعاتی آنالیز می‌شد. نزارها و نخلستان‌های اطراف اروند، دارای محاسن و معایبی برای طرفین جنگ بود که باید مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گرفت. رسی بودن جنس زمین در هنگام بارندگی، باعث ایجاد محدودیت در حرکت رزمندگان اسلام می‌شد. همچنین محدود بودن زمین منطقه عملیات، با تولید تراکم زیاد مشکلات عدیده‌ای در استقرار توپخانه‌ها و سایر یگان‌های پشتیبانی رزم و خدمات رزم ایجاد کرده بود.

مواضع دشمن در لایه‌های پی‌درپی، از لبه ساحل تا عمق کشیده شده بود. هر لایه مشتمل بر خاکریزهای یک جداره و دو جداره با سنگرهای دفاعی و اجتماعی مستحکم بود که در آنها انواع سلاح‌های متنوع سبک و نیمه سنگین مستقر شده بود.

اروندرود به‌عنوان یک مانع طبیعی، اولین دشمن رزمندگان اسلام تلقی می‌شد. پس از عبور از اروندرود انواع موانع مصنوعی از قبیل سیم‌خاردارهای حلقوی چند ردیفه، خورشیدی‌ها، انواع مین و غیره در سواحل خودنمایی می‌کرد. حتی عراق پشت سر نیروهای خود، از انواع موانع استفاده کرده بود.

دشمن با استقرار نیروهای جیش الشعبی معروف به تیپ‌های سه‌رقمی مستقر در خطوط دفاعی خود قصد داشت تا رزمندگان اسلام را تا طلوع صبح درگیر نگه داشته و سپس با یگان‌های اصلی خود و سپاه گارد ریاست جمهوری، با کمک آتش‌های هوایی و توپخانه‌ای سنگین، پاتک خود را آغاز و رزمندگان اسلام را درون آب بریزد.

این منطقه به لحاظ نزدیکی به بندر بصره و همین شکست در تجربه والفجر ۸، برای دشمن بسیار حساس بود. از این رو با انواع سیستم‌های دفاعی و الکترونیکی از آن به‌شدت مراقبت می‌کرد.

ارتش بعث با رصد و کوچک‌ترین تحرکات و استفاده از تمامی اطلاعات جمع‌آوری شده می‌کوشید تا زمان و مکان عملیات سالانه ایران را کشف و خنثی نماید.

جزر و مد

کشند یا جزر و مد به‌عنوان یکی از جنبش‌های آب دریاها عبارت است از پایین رفتن و بالا آمدن متناوب سطح آب دریا بر اثر جاذبه ماه و خورشید.

جزر و مد معلول نیروی جاذبه ماه و خورشید است. اگر چه جرم خورشید ۳۰ میلیون برابر جرم ماه است، اما ماه ۳۹۰ بار نزدیک‌تر از خورشید نسبت به زمین قرار دارد. به همین دلیل نیروی جاذبه ماه، ۲/۱۷ برابر بیشتر از نیروی جاذبه خورشید در ایجاد جزر و مد مؤثر است. از این رو می‌توان گفت که جاذبه ماه، نقش اصلی را در ایجاد و کنترل جزر و مد ایفا می‌کند؛ و چنانچه در مواقعی ماه و خورشید در یک راستا نسبت به کره زمین قرار گرفته باشند، با تشکیل بیشترین کشش، بلندترین مد اتفاق می‌افتد (جداری عیوضی، ۱۳۸۴).

دهانه رودخانه‌هایی که با شیب بسیار ملایم وارد دریا می‌شوند، با تأثیر جریانات کشندی در موقع مد، جریان رود متوقف شده و باعث بالا آمدن آب در بستر خود می‌شود. عموماً از این پدیده در آبیاری زمین‌های کشاورزی مجاور استفاده می‌شود.

رودخانه اروند یکی از رودخانه‌هایی است که پدیده جزر و مد در آن می‌تواند تا حدود صد کیلومتر تأثیرگذار باشد.

در رودخانه اروند با وقوع مد در شمال خلیج فارس، آب دریا به درون رودخانه سرازیر شده و جریان آب را به‌طرف بالا حرکت می‌دهد. شش ساعت بعد با جزر (پایین رفتن آب) دریا، آب رودخانه حرکت رو به دریای خود را آغاز می‌نماید. این رودخانه حدوداً در هر ۲۴ ساعت ۴ بار تغییر مسیر می‌دهد.

در عملیات کربلای ۴ بهترین زمان برای عبور غواص‌ها از تنگه ما بین جزایر ام‌الرصاص و ماهی هنگام حرکت بالا آمدن آب رودخانه و یا در واقع همان مد بود. تنها در آن زمان بود که غواص‌ها می‌توانستند با کمترین انرژی در مسیر حرکت رودخانه غواصی کرده و خود را به اهداف عمیق در پشت جبهه دشمن برسانند.

انتخاب گردان‌های غواص و نیروهای داخل آن

در هر لشکر، از قوی‌ترین و مخلص‌ترین گردان‌ها، برای انجام عملیات غواصی استفاده شد. کادر آن گردان‌ها نیز در درون لشکر، بهترین نیروها را انتخاب کردند. (به فرماندهان گردان‌های غواص این اختیار داده شده بود که در کل لشکر و عقبه‌های مربوطه، هر نیروی مخلص و قابل‌ی که تشخیص می‌دادند انتخاب کرده و در گردان غواصی سازماندهی و به کارگیری نمایند)، نگارنده اعتقاد دارد که در دفاع مقدس، جمعیت ایران پالایش شده و تنها افراد ارزشی و معتقد خود را عاشقانه و مخلصانه به جبهه جهاد فی سبیل‌الله رسانده بودند در میان این افراد نیز حتی عده کمی به‌عنوان رزمنده، سلاح به دست گرفته و در صف مجاهدان قرار گرفته بودند. نهایتاً از بین مجاهدان، تعداد بسیار معدودی به‌عنوان غواص خط‌شکن انتخاب می‌شدند. در واقع می‌توان گفت که این جمعیت اندک عصاره جمعیت ایران به شمار می‌آمدند. متأسفانه مخلص‌ترین آنها در عملیات کربلای ۴ و ۵ به شهادت رسیدند.

آموزش

در عملیات کربلای ۴، غواص‌ها می‌بایست از تنگه مابین جزایر ام‌الرصاص و ماهی عبور کنند. این عمل همواره با مشکلات زیادی روبرو بود. از یک طرف به دلیل کافی نبودن تعداد کپسول اکسیژن و همچنین خروج حباب‌های ناشی از استفاده از این کپسول‌ها در آب، امکان استفاده از کپسول اکسیژن فراهم نبود. از این‌رو غواص‌ها ناگزیر به استفاده از اشوگر (نی غواصی) بودند. استفاده از این وسیله در شب عملیات، مهارت زیادی می‌طلبید! چون غواص با وجود سلاح و مهمات خود می‌بایست در عمقی از زیر آب در شب عملیات حرکت کند که نه آنقدر پایین‌تر از سطح آب باشد که آب داخل اشوگر شود و نه آنقدر بالا بیاید که سرش از آب بیرون بزند. به همین خاطر آموزش‌های بسیار سخت و طاقت‌فرسایی برای عملیات کربلای ۴ در نظر گرفته شده بود. یکی از آنها آموزش مقدماتی شنا بود که رزمندگان انتخاب شده می‌بایست ابتدا دوره‌های آموزش شنا را گذرانده تا در مرحله بعد در کلاس‌های غواصی شرکت نمایند.

اولین کار در غواصی، آشنایی با لوازم غواصی و پوشیدن لباس مخصوص آن است. لباس غواصی باید اندازه هر فرد باشد و نحوه پوشیدن لباس و هم‌وزن کردن غواص‌ها با آب، از

آموزش‌های ابتدایی غواصی است. هر غواص به نسبت وزن حجمی خود باید وزنه‌های غواصی یا سلاح و مهمات همراه داشته باشد تا بتواند با آب هم‌وزن شده و در آب غوص نماید، چرا که لباس غواصی، به خاطر اسفنجی بودن، مانع از فرو رفتن غواص در آب می‌شود. انتخاب سلاح‌های مناسب با کارایی خوب در آب و برخورداری از قابلیت شلیک مناسب، یکی دیگر از دغدغه‌های فرماندهان یگان‌های غواصی بود. از سویی دیگر باید این سلاح‌ها و تجهیزات ضدآب گردیده تا در برابر آب و گل‌ولای رودخانه، قابل استفاده باشند. یکی دیگر از آموزش‌ها و تمرینات، استفاده از اشنوگر (نی غواصی) بود. غواص‌ها می‌بایست با تمرین چند ساعته در ساحل، نحوه تنفس با اشنوگر را فرا گرفته و سپس تمرینات خود را در رودخانه ادامه می‌دادند.

غواصان همچنین می‌بایست در غواصی در یک ستون و در مسیر جریان رودخانه با اشنوگر مهارت‌های لازم را به دست می‌آوردند. در این مهارت‌آموزی برای حفظ پیوستگی ستون در تلاطمات رودخانه، از طناب استفاده می‌شد، یک طناب بلند به طول ستون تهیه و در آن، به تعداد غواصان گره تعبیه شده بود تا رزمندگان اسلام در هنگام غواصی، آن را در دست گرفته و ستونی حرکت کنند و فرمانده ستون یا عنصر اطلاعات، سر طناب را گرفته و غواصان را که با اشنوگر در زیر آب نفس می‌کشیدند، هدایت می‌نمود.

غواصان بعد از فرا گرفتن مهارت‌های موردنیاز در روز، باید تمرینات شبانه خود را آغاز می‌کردند. غواصی در شب با اشنوگر در رودخانه متلاطم، نیاز به حس ششم دارد. چرا که تشخیص اینکه سر غواص دقیقاً در چند سانتی‌متری زیر آب است، بسیار سخت است و این امر تنها با نخبگی رزمندگان امکان‌پذیر است.

گردان‌های غواصی در شب عملیات، ناگزیر به غواصی بیش از ۵ کیلومتر بودند، به همین علت آنها باید از مهارت و قدرت بدنی بالایی برخوردار می‌شدند. برادران غواص در شبانه‌روز بیش از ۱۲ ساعت تمرین می‌کردند تا به قابلیت لازم برسند. این امر نیاز به انرژی زیادی داشت که از طریق تغذیه مناسب حل می‌شد. روحیه و قدرت معنوی رزمندگان نیز در رفع کاستی‌ها و مشکلات پیش رو را بسیار تأثیرگذار بود.

آموزش آبی-خاکی یکی دیگر از آموزش‌های گردان‌های غواصی بود. از آنجا که بخشی از نیروها بعد از گرفتن سرپل توسط غواص‌ها، باید در سریال بعد خود را با قایق به غواصان پیوسته رسانده و سرپل را توسعه دهند، به نیروها نحوه سوار و پیاده شدن از قایق، استقرار در قایق و جنگ در درون آن، آموزش داده می‌شد.

آموزش جنگ در نخلستان و جنگ تن‌به‌تن هم از آموزش‌های موردنیاز رزمندگان غواص بود. جنگل، نخلستان و کلاً جنگ در زمین‌های مستور، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است. رزم نزدیک و تن‌به‌تن، محدودیت میدان دید و تیر، محدودیت استفاده از سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین، محدودیت حرکات موتوری و غیره از دیگر ویژگی‌های جنگ در زمین‌های مستور است که در این عملیات می‌بایست به رزمندگان گردان‌های خط‌شکن آموزش داده می‌شد.

سختی و پیچیدگی عملیات کربلای ۴، در مقایسه والفجر ۸

- ۱- در والفجر ۸ غواص‌ها از عرض اروندرود عبور کردند درحالی‌که در کربلای ۴ این حرکت می‌بایست در طول رودخانه به سمت عمق دشمن صورت می‌پذیرفت.
- ۲- عبور چندین یگان غواص از یک تنگه به ترتیب زمان.
- ۳- اتکا عملیات به نقطه خاص (عبور از تنگه) برای تلاش اصلی.
- ۴- نیاز شدید تاکتیک ویژه عملیات (عبور از تنگه و زدن به عمق دشمن) به غافلگیری صد در صد.

- ۵- حرکت غواص‌ها در زیر آب و تنفس به وسیله اشنوگر.
- ۶- میانگین حرکت غواص در والفجر ۸ حدود ۶۰۰ متر بود درحالی‌که در کربلای ۴، حدود ۵ کیلومتر برای رسیدن به عمق دشمن می‌بایست طی شود.
- ۷- عرض زیاد و عمق کم جبهه در هنگام پدافند.

تشریح عملیات کربلای ۴ از منظر نگارنده

منطقه واگذاری به لشکر ۳۱ عاشورا و اهداف آن، یکی از دشوارترین مناطقی بود که بنده نیز به- عنوان غواص در آن حضور داشتم. در این عملیات، گردان غواصی حضرت ولی عصر (عج) مأموریت داشت تا در فاصله بین نهر عرایض و نهر خین وارد رودخانه اروندرود شده و با استفاده

از اشنوگر تنفس به صورت ستون، به مرکز رودخانه هدایت و از آنجا در طول رودخانه به سمت عمق خاک عراق حرکت کنند. آنها در این پیشروی می‌بایست جزیره بلجانیه و پتروشیمی بصره را به تصرف خود درآورند. سخت‌ترین قسمت حرکت، عبور ستون غواصی از تنگه بین جزیره ام-الرصاص و جزیره ماهی بود. فاصله کمتر از ۱۵۰ متری این دو جزیره و محافظت نیروهای عراقی در هر دو طرف تنگه بر مشکلات کار افزوده بود.

پس از اتمام آموزش‌ها در رودخانه کارون و در منطقه قجریه و تمرین آخرین مانور به منظور اطمینان از عملکرد مناسب غواصان، حرکت از محل آموزش به منطقه عملیات با رعایت مسائل تأمینی آغاز شد. رزمندگان غواص با کانتینرها و کامیون‌های مسقف پوششی، از راه‌های فرعی، به حاشیه اروندرود منتقل شدند. وقتی به دژبانی‌های منطقه عملیات رسیدیم، منطقه بسیار شلوغ و تراکم ماشین‌ها زیاد بود. محدودیت منطقه برای استقرار و مبدأ عملیات و همچنین موکول شدن حفاظت سخت‌گیرانه، حرکات و استقرار یگان‌ها به روزهای آخر از یک طرف و بارش باران و لغزندگی داخل نخلستان و تصادف و فرو رفتن ماشین‌ها در گل‌ولای از طرف دیگر باعث ایجاد هیاهو و سر و صدای زیاد منطقه شده بود.

بالاخره با تمام مشکلات موفق شدیم تا به محل استقرار خود در ساحل اروندرود رسیده و در سنگرهای پشت خاکریز و خانه‌های متروکه داخل نخلستان مستقر شویم. بچه‌های غواص در آن روز، حال بسیار خوش معنوی داشتند. خواندن نماز، دعا و زیارت‌های دسته‌جمعی بر زیبایی‌های آن روز افزوده بود. به جرأت می‌توان گفت که غواصانی که در آنجا جمع شده بودند از بهترین‌های روزگار خود بودند. بنده به عنوان یکی از مسئولین گردان ولیعصر، یک شب قبل از عملیات به لبه آب رفته تا مسیر حرکت و محل به آب افتادن غواصان را در شب عملیات و همچنین هشیاری نیروهای عراقی را بررسی کنیم. در این شناسایی، دشمن هوشیار شد و به سمت ما تیراندازی کرد. با دیدن این مسئله به عقب برگشته و جریان را به فرماندهان گزارش دادیم. لو رفتن عملیات در جلسات فرماندهان عالی مطرح شد اما آنها با تحلیل اخبار و اطلاعات گوناگون، بر عادی بودن موضوع و لو رفتن عملیات تأکید داشتند. البته اتفاقاتی هم که در بعد از ظهر شب عملیات اتفاق افتاد، در روحیه رزمندگان غواص تأثیر منفی گذاشت. در آن اتفاق انفجار یک خمپاره ۶۰ دشمن باعث شهادت و مجروح شدن چندین نفر شد.

فرماندهان غواص در طول روز، آخرین توجیحات و توصیه‌های خود را به نیروهای تحت امر گوشزد نمودند. غواصان نیز با نظافت سلاح و بررسی نهایی تجهیزات غواصی، آماده حرکت به سمت ساحل اروند شدند. نیروها قبل از مغرب شام خورده و پس از ادای نماز مغرب و عشاء لباس‌های غواصی را پوشیده و حرکت ستونی خود را از میان نی‌زارها به سمت لبه آب آغاز نموده و پس از رسیدن به محل مورد نظر، منتظر دستور بعدی شدند. بالاخره پس از حرکت گردان غواصی لشکر ۴۱ ثارالله، در حدود ساعت ۸ شب نوبت به گردان ولیعصر رسید. با دستور ستون-های غواصی در آب رها شده و در حالی که غواصان در زیر آب به وسیله اشوگر نفس می‌کشیدند، به مرکز رودخانه رسیده و به سمت تنگه حرکت کردند. با لو رفتن ستون، دشمن آسمان و زمین را با انواع منورها روشن و با آتش شدید انواع سلاح‌های سبک، سنگین و منحنی زن، ستون‌های غواصی را مورد هدف قرار داد. فشار آب بعضی از نیروها که در ابتدای ستون بوده و به تنگه نزدیک‌تر بودند را به عمق خاک عراق کشاند. آنها مجبور شدند تا خود را به ساحل جزیره ماهی رسانده و با دشمن درگیر شوند؛ اما متأسفانه پس از انهدام نیروهای دشمن، شهید و یا اسیر می‌شوند. گروهی از نیروها که در وسط ستون بودند، خود را به جزیره ام‌الرصاص رسانده و موفق به تصرف آن می‌شوند. آن گروه انتهای ستون نیز به ساحل خودی عقب‌نشینی کردند. پیکر برخی از غواصان شهید و یا مجروح توسط جریان مدی آب را به عمق خاک دشمن برده شد و پس از شروع جزر، دوباره به سمت خلیج فارس برگشت.

دلایل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴

۱- انتخاب تاکتیک تکراری: رعایت اصول جنگ و سایر اصول عملیاتی از الزامات یک نبرد موفقیت‌آمیز است. اصل غافلگیری که یکی از مهم‌ترین اصولی است که در جنگ‌های دنیا بدان توجه بسیار می‌شود. سپاه پاسداران نیز در اکثر عملیات‌ها به دنبال اجرای همین اصل غافلگیری بود. یکی از نکات مهم در موفقیت این اصل، عدم استفاده از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های یکنواخت است. یک طرح نظامی برجسته سعی می‌کند تا با بهره‌گیری از تنوع در تاکتیک و تکنیک، دشمن خود را که البته یک نظامی با تجربه است، غافلگیر نماید. باید توجه داشت که دشمن مقابل یک نظامی با تجربه است که ضمن استفاده از تجربیات تلخ گذشته از آنها در صحنه

جنگ به نفع خود استفاده می‌نماید. شاید به همین منظور است که در سخن بزرگان، آمده است که نباید دشمن خود را ضعیف پنداشت.

عملیات کربلای ۴ به دلیل عدم توجه کافی به این اصل مهم با موفقیت همراه شد و متأسفانه عزیزترین افراد ملت ایران را در آن عملیات به شهادت رسیدند. عراق با اتکاء به تجربیات عملیات والفجر ۸ فهمیده بود که سپاه پاسداران با داشتن جسارت، قدرت و تکنیک بالای خود، می‌تواند به راحتی از اروندرود عبور کرده و عملیات مناسبی را در آن‌سوی رودخانه به اجرا در آورد، این‌رو در طول حاشیه اروند، هوشیارانه اوضاع را رصد می‌کرد. با کوچک‌ترین تجمع نیرو و حرکات خارج از قواره رزمندگان اسلام، به منطقه حساس شده و خط مذکور را تقویت می‌نمود. ارتش بعث عراق در والفجر ۸ به دلیل انتخاب تاکتیک جدید عبور از رودخانه توسط رزمندگان اسلام و عدم اطلاع دقیق فرماندهان عراقی از توانمندی‌های بسیجیان جان‌برکف غافلگیر شد. در شب عملیات والفجر ۸، بزرگ‌ترین حماسه جنگ تحمیلی را آفریدند. آنها با چنان ظرافت و دقتی از رودخانه خروشان اروند عبور کرده و موانع را برچیدند که دشمنان اسلام پس از گذشت چندین روز، متوجه عمق گردابی که در آن افتاده بودند، شدند؛ اما در عملیات کربلای ۴ اوضاع جنگ به کلی عوض شده بود. عراق به‌خوبی از توان بسیجیان برای عبور از سخت‌ترین موانع طبیعی و مصنوعی و همچنین حساسیت شلمچه آگاه بود. بر همین اساس عراق، منطقه عملیاتی کربلای ۴ را با موانع و نیرو، آن‌چنان سازماندهی کرده بود که به‌راحتی بتواند در مقابل هجوم رزمندگان اسلام ایستادگی کند و حتی یک تاکتیک مناسب پدافندی در مقابل تاکتیک تکراری عبور از رودخانه سپاه اسلام، آنها را وادار به عقب‌نشینی از آن‌سوی رودخانه نماید.

۲- انتخاب یک منطقه کوچک برای مبدأ عملیات: زمین منطقه عملیات باید

به‌اندازه‌ای باشد که آزادی عمل برای ایفای نقش یگان‌های رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی وجود داشته باشد. به‌عبارت دیگر فضای عقبه‌های یگان‌ها باید از آن‌چنان وسعتی برخوردار باشد که عناصر لشکرها و تیپ‌ها ضمن گسترش در منطقه بتوانند خود را در مقابل تک‌های هوایی و سایر اقدامات دشمن در امان نگه دارند. از سویی دیگر تجمع چندین یگان بزرگ در یک منطقه کوچک مثل شلمچه، حرکات و جابجایی را مشکل ساخته و دشمن را به

راحتی متوجه حجم نیروی داخل منطقه می‌کند. (اگر به نقشه منطقه توجه شود، می‌توان به راحتی به کوچکی منطقه عقب یگان‌های عمده که مجبور به تمرکز در یک منطقه کوچک بوده‌اند، پی برد).

نگارنده کاملاً به خاطر دارد که از چند روز قبل از شروع عملیات چه ترافیکی در نخلستان‌های منطقه به وجود آمده بود. حتی سر و صدای ناشی از حرکات کاملاً به گوش می‌رسید، در حالی که در عملیات والفجر ۸، عقبه‌های لشکرها بسیار باز و آن‌ها بدون ایجاد کمترین حساسیت در منطقه، به آماده‌سازی مناطق عملیاتی خود مشغول بودند و همین فضای کافی برای یگان‌های پشتیبانی رزم، بخصوص توپخانه مهیا بود و توپخانه با گسترش مناسب در طول ساحل رودخانه، می‌توانست ضربات جبران‌ناپذیری به دشمن بعثی وارد آورد.

در منطقه خرمشهر توپخانه دشمن از سه سمت نبردهای خودی را تهدید می‌کرد. این امر باعث شده بود تا در فضای بسیار کوچک گسترش غلط نیروها اتفاق افتد. در حالی که دشمن با عقبه‌های وسیع از سه سمت، پاسگاه زید، جزیره بوارین و ابوالخصیب بر فشار خود افزوده بود. صاحب‌نظران جغرافیای نظامی معتقدند که مرزهای محدب (تورفتگی) هیچ‌وقت برای عملیات آفندی مناسب نیست، چرا که در این مرزها یگان‌ها مجبور می‌شوند تا در یک زمان با چندین یگان دشمن درگیر شوند و همچنین احتمال خطر تک دشمن از جناحین، همیشه برای یگان‌های خودی متصور است. منطقه عملیاتی کربلای ۴ در فضای کاملاً محدب قرار داشت و هر چه به عمق خاک دشمن می‌رفتیم تحدب بیشتر شده و آسیب‌پذیری خودی بیشتر می‌شد.

۳ - حمایت اطلاعاتی آمریکا: وزیر دفاع عراق در اظهاراتی گفت که: ما به خاطر این اطلاعات از آمریکا متشکریم. بعد از عملیات والفجر ۸، آمریکا احساس کرد که ایران احتمالاً پیروز میدان خواهد بود و این مسئله مطلوب او نبود. می‌خواست که این جنگ، پیروز قاطع نداشته باشد. همچنین به خاطر افشای جریان مک‌فارلین توسط هاشمی رفسنجانی، از ایران بسیار عصبانی بود، به همین دلیل حمایت‌های خود را از عراق افزایش داده بود. یکی از این حمایت‌ها دادن اطلاعات فراوان به عراق از طریق ماهواره‌ها و دیگر عوامل جمع‌آوری اطلاعات بود. داشتن اطلاعات کامل از طرف مقابل در جنگ، می‌تواند یک ارزش فوق‌العاده محسوب

گردد و او را قادر سازد تا در مقابل طرح‌های عملیاتی دشمن، عکس‌العمل‌های مناسبی از خود نشان دهد و تمام حرکات آن را پیش‌بینی نماید، عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای یکی از ابزارهای کسب اطلاعات است که هم‌اکنون نیز مورد استفاده اکثر کشورها قرار می‌گیرد. البته عکس‌های ماهواره‌ای در دست کشورهای پیشرفته قرار داشته و از آنها برای نفوذ در کشورهای جهان سوم استفاده می‌کنند. آمریکا به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در این امر، به دلیل مخالفت و دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، عکس‌های ماهواره‌ای را در اختیار کشور عراق گذاشت. ارتش بعث عراق هم با کمک این اطلاعات توانست حرکات و جابجایی نیروهای اسلام را در منطقه عمومی خرمشهر و شلمچه، رصد و با انطباق آن با قرائن دیگر عملیات کربلای ۴ را کشف نماید. از این‌رو اصل غافلگیری که عامل اصلی موفقیت اکثر عملیات‌های رزمندگان اسلام بود، از بین رفت؛ رزمندگان اسلام در شب عملیات با نیروهای هوشیار و آماده عراق مواجه شدند. ولی با این همه، رشادت‌ها و قدرت رزمی فوق‌العاده بالای رزمندگان اسلام باعث از هم گسیختگی خط پدافندی عراق در ابتدای عملیات شد؛ اما از آنجا که آغاز شروع عملیات با دشواری و عدم غافلگیری مواجه شد، فرماندهان تصمیم به بازگشت نیروهای اسلام به مواضع اولیه خود گرفتند.

۴- سخت‌گیری بیش از اندازه حفاظتی: عملیات کربلای ۴ به دنبال موفقیت حاصله در عملیات والفجر ۸ طراحی گردید. حفاظت اطلاعات با استفاده از تجربیات والفجر ۸ که توانسته بود از طریق حفاظت عالی، دشمن را غافلگیر کند، به دنبال یک فعالیت جدی‌تر و سخت‌تر بود. بر همین اساس، فعالیت‌های لشکرهای عمل‌کننده و آماده‌سازی عقبه‌ها با ممانعت واحد حفاظت و با تأخیر انجام می‌شد. سعی برادران حفاظت بر این بود تا یگان‌ها هر چه دیرتر از عملیات و نحوه اجرای آن مطلع شوند و این امر باعث گردید که لشکرها در چند روز آخر، با تمام قوا و شدت عمل بیشتر وارد منطقه شوند. لذا تغییر حالت فوق‌العاده دفعی در منطقه، دشمن را متوجه غرب خرمشهر کرد. عراق توانست با سایر فعالیت‌هایی که برای جمع‌آوری اطلاعات انجام می‌داد و همچنین تأمین اطلاعاتی که از طرف آمریکا می‌شد، عملیات کربلای ۴ را کشف نماید. نگارنده به‌عنوان کسی که از نزدیک شاهد ترافیک فوق‌العاده زیاد نیروها در منطقه کربلای ۴ بوده است اعتقاد دارد که معطل شدن گردان‌ها در پشت دژبانی‌ها و جمع شدن چندین لشکر در یک محوطه

کوچک، باعث لو رفتن عملیات شد. یکی از اصولی که در حفاظت عملیات‌ها بسیار حائز اهمیت است. این است که در منطقه عملیات باید از تغییرات ناگهانی جداً پرهیز نمود. رعایت این اصل در والفجر ۸ بسیار خوب صورت پذیرفت، به طوری که حتی در تعویض نیروهای ژاندارمری، هیچ گونه تغییری در خط اتفاق نیفتاد. نیروهای پدافندی با ظاهری شبیه به یگان‌های ژاندارمری در خط حاضر شدند، ولی متأسفانه حرکات زیاد و دفعی در کربلای ۴ باعث بروز مشکلاتی برای اجرای مؤثر عملیات گردید. البته لو رفتن عملیات برای ما که در ساحل رودخانه اروند بودیم ثابت شده بود و این امر را به اطلاع فرماندهان رسانده بودیم اما همان‌طور که گفته شد از آن جایی که فرماندهان عالی در تحلیل خود، اعتقادی به لو رفتن عملیات نداشتند، ما بنا به تکلیف وارد اروندرود شدیم.

۵- غرور ناشی از پیروزی عملیات والفجر ۸ و در نتیجه طراحی یک عملیات

بزرگ‌تر و فوق‌العاده پیچیده: اجرای موفقیت‌آمیز عملیات والفجر ۸ یک باعث غرور سیاست‌مداران، فرماندهان عالی جنگ و بعضاً عاملان اجرایی عملیات شد؛ متأسفانه به علت همین غرور توکل به خدا در عملیات کربلای ۴ کم‌رنگ شد. از والفجر ۸ یادمان رفت که بدون لطف خدا قطعاً عملیات به جایی نمی‌رسید. باد و بارانی شدن منطقه در شب عملیات والفجر ۸ لطف نهان خداوند بود. لطفی که باعث به هم خوردن چولان‌ها و مخفی ماندن سر و صدای غواص‌ها گردید. آیا این لطف خدا نبود که سرباز عراقی بر روی دست غواص می‌ایستد؛ اما متوجه غواص نمی‌شد؟ آیا این لطف خدا نیست که آسمان منطقه ابری شود و هواپیماهای عراقی قادر به بمباران نباشند؟ آیا این لطف خداوند نیست که با نزول باران، تانک‌های عراقی به گل نشسته و قادر به حرکت نباشند. در جنگ اعتقادی، توکل به خدا حرف اول را می‌زند. در هر جایی از جنگ که این اصل مهم مورد غفلت قرار می‌گرفت، ضربات جبران‌ناپذیری به رزمندگان اسلام وارد می‌آمد. شکست عملیات کربلای ۴ به مسئولین ما این نکته را گوشزد کرد که همه‌چیز در دست شما را بی‌عناایت خدا هیچ‌چیز نیست. عملیات کربلای ۴ یک عملیات بسیار گسترده بود که به نظر می‌رسد شاید خارج از توانایی سپاه پاسداران هم باشد.

در این عملیات ما قصد داشتیم همزمان در شرق و غرب شط‌العرب و در عمق مناطق دشمن،

مناطق وسیعی از عراق را به تصرف خود درآوریم. غرور پیروزی‌های گذشته باعث شد تا خیلی از نکات منفی و مشکلات و اشتباهات تاکتیکی نتواند بر دیدگاه ما نسبت به عملیات تأثیر بگذارد. وسعت عملیات کربلای ۴ چند برابر والفجر ۸ بوده و همین‌طور سختی کار نیز ده‌ها برابر. بنا به رعایت انصاف باید اذعان داشت که رزمندگان خط‌شکن وظایف خود را به نحو احسن انجام دادند. آن‌ها در سخت‌ترین شرایط با دشمن هوشیار جنگیدند و با اخلاص کامل برای رسیدن به هدف، از جان مایه گذاشتند. غالباً نیز به هدف‌های ابتدایی عملیات نائل آمدند. عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ از ضعف نیروهای عمل‌کننده نبود، چرا که این نیروها از لحاظ آموزش، ایمان و قدرت رزمی به مراتب از نیروهای شرکت‌کننده در عملیات والفجر ۸ قوی‌تر بودند. اگر ضعفی هم وجود داشت از ناحیه فرماندهان و طراحان عملیات بود که غرور ناشی از عملیات والفجر ۸، آن‌ها را از دقت نظر در بسیاری از مسائل باز داشته بود.

۶- عبور از تنگه توسط غواص‌ها و مراقبت شدید دشمن از آن: محور اصلی

عملیات کربلای ۴، تنگه ما بین جزیره ام‌الرصاص و جزیره ماهی بود. این محور خط حد بین سپاه سوم و هفتم عراق به شمار می‌آمد. در این عملیات، عبور از این تنگه و پیشروی در عمق خاک عراق بسیار مشکل و طاقت‌فرسا بود که به قرارگاه قدس داده شد، این قرارگاه مأموریت داشت تا غواص‌های چندین لشکر را با زمان‌بندی خاص از تنگه عبور دهد. این امر واگذار می‌بایست با هماهنگی بسیار دقیق صورت می‌پذیرفت. غواص‌ها باید به صورت ستون در حاشیه اروند منتظر می‌ماندند تا نوبت آن‌ها فرا برسد. تنگه مذکور حدود ۱۵۰ متر عرض داشت و یک بویه (چراغ لنگردار که به کف رودخانه متصل شده و مسیر شمالی و جنوبی آبراه را از هم جدا می‌کرد) در وسط تنگه قرار گرفته بود. غواص‌ها می‌بایست به وسیله طناب به هم متصل شده و به صورت ستون از میان تنگه عبور می‌کردند. از آنجا که در دو طرف تنگه، سنگرهای نگهبانی عراق، به شدت مشغول به مراقبت از تنگه بودند، غواص‌ها می‌بایست در ده سانتی‌متری زیر آب حرکت کنند. تنظیم این کار بسیار مشکل بود. اگر یکی از غواص‌ها از چندین گردان غواصی، تعادل خود را از دست می‌داد و بر روی سطح آب می‌آمد، کل عملیات با مشکل مواجه می‌شد. ناگفته نماند که زمان حرکت غواص‌ها طوری انتخاب شده بود تا در ابتدای مد باشد. یعنی زمانی که آب رودخانه

به سمت بصره حرکت می‌کند. تنها در آن زمان بود که غواص‌ها به راحتی و با صرف کمترین انرژی می‌توانستند به اهداف خود دست یابند. (فین زدن غواص فقط به منظور حفظ تعادل و تنظیم بدن در عمق چند سانتی متری زیر آب بوده است) در طرح مانور عملیات پس از عبور گردان‌های غواص از تنگه، هر کدام به سمت هدف خود در قسمت‌های مختلف سواحل شط العرب، تغییر مسیر می‌دادند. لشکر ۳۱ به عنوان یکی از لشکرهای عبور کننده از تنگه می‌بایست جزیره بلجانیه را به تصرف در می‌آورد. بنده نیز به عنوان یکی از غواص‌های این لشکر از نزدیک شاهد سختی‌های کار بودم.

از دیدگاه نگارنده عوامل شش گانه بالا از دلایل عمده عدم موفقیت کربلای ۴ به شمار می‌آید. البته عوامل فرعی دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره نشده است. شاید دیگران با دلایل حقیر را مورد انتقاد قرار داده و عدم موفقیت عملیات را در جای دیگر جستجو کنند. این تنها نظر شخصی محقق است.

ذکر نکته خیلی مهمی که در تکمیل این تحقیق به نظر می‌رسد این است که هیچ آفند موفق، بدون پدافند مناسب، ارزش و اعتبار نخواهد داشت. باید قبل از شروع هر آفندی، اطمینان به حفظ دستاوردهای آن آفند داشته باشیم. منطقه عملیات کربلای ۴ و اهداف آن طوری بودند که در صورت موفقیت نگهداری آن بسیار دشوار بود. دشمن می‌توانست از سه جناح فشار بیاورد خط پدافندی رزمندگان اسلام به راحتی، قابل شکستن بود و اتکای چندانی به موانع مصنوعی و طبیعی نداشت. اگر ما در عملیات پدافندی منطقه فاو موفق شده بودیم، به خاطر شکل خاص شبه جزیره فاو و وجود کارخانه نمک، نخلستان‌ها و نه‌های آن بوده، این‌ها قسمت عمده خط پدافندی را می‌پوشاندند. از این رو رزمندگان اسلام در عرض بسیار محدود پدافند می‌کردند. توپخانه قوی جناحی نیز یکی دیگر از عوامل موفقیت خط پدافندی والفجر ۸ بود، اما رزمندگان در کربلای ۴ در منطقه ابوالخصیب ناگزیر به پدافند در سه ناحیه شمال، غرب و جنوب بودند که البته با گردان‌های محدودی که در اختیارمان بود، نگهداری آن زمین، مشکل به نظر می‌رسید. پاسخگویی به پاتک‌های سنگین گارد ریاست جمهوری عراق که با حمایت توپخانه قوی و آتش‌های هوایی پر حجم، صورت می‌گرفت. بسیار سخت بود این در حالی است که رزمندگان اسلام بدون عقبه مطمئن و پل‌های مناسب، قادر به انتقال نیرو و تجهیزات به سمت دیگر اروند نبوده و این امر با

تضعیف خط پدافندی قوای اسلام احتمال شکستن خط پدافندی را افزایش می‌داد. پس اگر هم عملیات کربلای ۴ به اهداف خود می‌رسید، قدرت حفظ و پدافند منطقه مورد تردید بود. اصولاً از منظر علوم نظامی اجرای عملیات در آن‌سوی رودخانه بدون داشتن عقبه‌های مطمئن، در رودخانه‌هایی مشابه اروندرود، کار اشتباهی است و منطقه عملیاتی والفجر ۸، یک زمین کاملاً استثنایی بود که ما توانستیم در آنجا موفقیت خیره‌کننده‌ای کسب نماییم.

نتیجه‌گیری

عملیات کربلای ۴ دارای تجربیات ارزشمندی است که باید از تجربیات آن در جنگ‌های آینده استفاده کرد و در این مقاله سعی شده است که بدون ملاحظات معمول، علل و عوامل اصلی شکست عملیات کربلای ۴ احصاء گردد تا شاید الگویی برای سایر مقالات و مطالعات درباره عملیات‌های شکست خورده جنگ هشت‌ساله باشد.

از دیدگاه نگارنده دلایل اصلی عدم موفقیت عملیات کربلای ۴ به شرح ذیل جمع‌بندی می‌شود:

۱- انتخاب تاکتیک تکراری: رعایت اصول جنگ و سایر اصول عملیاتی از الزامات یک نبرد موفقیت‌آمیز است و ما می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین اصولی که در جنگ‌های دنیا رعایت می‌شود، اصل غافلگیری است و یکی از نکات مهم در این اصل، استفاده نکردن از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های یکنواخت است که یک نظامی برجسته سعی می‌کند که همیشه از تنوع در تاکتیک و تکنیک استفاده نموده تا دشمن خود را که البته یک نظامی با تجربه است غافلگیر نماید.

۲- انتخاب یک منطقه کوچک برای مبدأ عملیات: زمین منطقه عملیات باید به اندازه‌ای باشد که آزادی عمل را برای ایفای نقش یگان‌های رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی بدهد، یعنی اینکه فضای عقبه‌های یگان‌ها باید آن‌چنان وسیع باشد که عناصر لشکرها و تیپ‌ها بتوانند در منطقه گسترش پیدا کرده و پراکندگی آنها طوری باشد که در مقابل تکه‌های هوایی و سایر اقدامات دشمن آسیب‌پذیر نباشند و از جهتی تجمع چندین یگان بزرگ در یک منطقه کوچک مثل شلمچه، حرکات و جابجایی را

- مشکل ساخته و دشمن به راحتی به حجم نیروی داخل منطقه پی برده و قطعاً با مشاهده تمرکز قوای سپاهیان اسلام به محل عملیات آتی پی خواهد برد.
- ۳- حمایت اطلاعاتی آمریکا: وزیر دفاع عراق می گوید: (ما به خاطر این اطلاعات از آمریکا متشکریم) بعد از عملیات والفجر ۸، آمریکا احساس کرد که ایران احتمالاً پیروز میدان خواهد بود و این مسئله مطلوب او نبود و می خواست این جنگ، پیروز قاطع نداشته باشد و همچنین به خاطر افشای جریان مک فارلین توسط هاشمی رفسنجانی، از ایران بسیار عصبانی بود، به همین خاطر حمایت های خود را از عراق زیاد کرده که یکی از آنها دادن اطلاعات به عراق از طریق ماهواره ها و سایر عوامل جمع آوری اطلاعات بود.
- ۴- سخت گیری بیش از اندازه حفاظتی: عملیات کربلای ۴ به دنبال موفقیت حاصله در عملیات والفجر ۸ طراحی گردید و حفاظت اطلاعات به لحاظ تجربیات والفجر ۸ که توانسته بود از طریق حفاظت عالی، دشمن را غافلگیر کند، به دنبال یک فعالیت جدی تر و سخت تر بود، بر همین اساس، فعالیت های لشکرهای عمل کننده و آماده سازی عقبه ها با ممانعت واحد حفاظت و با تأخیر انجام می شد و سعی می کردند یگان ها هر چه دیرتر از عملیات و نحوه اجرای آن مطلع شوند و این امر باعث گردید که لشکرها در چند روز آخر با تمام قوا و شدت عمل بیشتر وارد منطقه شوند و تغییر حالت فوق العاده دفعی در منطقه، دشمن را متوجه غرب خرمشهر ساخت و عراق با سایر فعالیت هایی که برای جمع آوری اخبار انجام داد و تأمین اطلاعاتی که از طرف آمریکا می شد، عملیات کربلای ۴ را کشف نمود.
- ۵- غرور ناشی از عملیات والفجر ۸ و در نتیجه طراحی یک عملیات بزرگ تر و فوق العاده پیچیده: اجرای موفقیت آمیز عملیات والفجر ۸ یک غرور همه جانبه ای در سیاستمداران، فرماندهان عالی جنگ و بعضاً در عاملان اجرایی والفجر ۸ به وجود آورده بود، به همین علت توکل به خدا کم رنگ شده و از یادمان رفته بود که بدون لطف خدا عملیات والفجر ۸ به جایی نمی رسید.
- ۶- عبور از تنگه توسط غواص و مراقبت شدید دشمن از آن: محور اصلی عملیات کربلای ۴، عبور از تنگه بین جزیره ام الرصاص و جزیره ماهی بود (خط حد بین سپاه سوم و

هفتم عراق) که این منطقه به قرارگاه قدس داده شده بود، این قرارگاه باید غواص‌های چندین لشکر را با زمان‌بندی خاص از تنگه عبور می‌داد که نیاز به هماهنگی بسیار دقیق داشت و چون دو طرف تنگه توسط عراق به شدت مراقب می‌شد و غواص‌ها هم باید در ده سانتی‌متری زیر آب حرکت می‌کردند، تنظیم آن کار بسیار مشکلی بود.

منابع

«محقق به لحاظ حضور مستقیم در عملیات کربلای ۴ و مطالعات ۲۵ ساله در حوزه‌های مختلف جغرافیایی و دفاع مقدس به یافته‌های موجود دست یافته است».

۱- جداری عیوضی، جمشید (۱۳۸۴)، جغرافیای آبها، چاپ دوازدهم، انتشارات دانشگاه تهران.

۲- درودیان، محمد (۱۳۹۱)، آغاز تا پایان، چاپ هجدهم، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.